

چه خبر؟

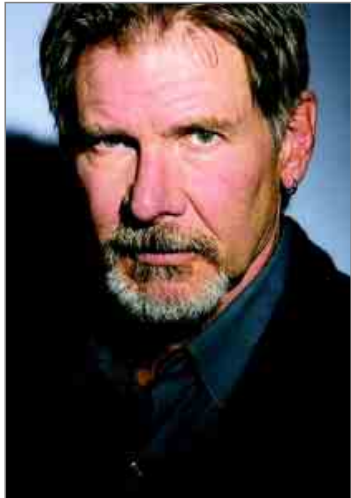


بازگشت قهرمان متفکر اکشن

آنتی-الف

آتهایی که اهل کار کامپیوتر و بخصوص اینترنت هستند، می‌دانند که بعضی از برنامه‌های کامپیوتری - و حتی قسمتی از خود ویندوز - مسؤولیت محافظت از برنامه‌ها و اطلاعات را در برابر نفوذ خرابکاران به عهده دارد. این نرم‌افزارها که دیوار آتش و Firewall نامیده می‌شوند نمی‌گذارند کسی از طریق شبکه اینترنت به اطلاعات شخصی روی کامپیوتر دست پیدا کند یا فایلی را از این برید یا تغییر دهد. حتی استنسیل یک متخصص نرم‌افزارهای دیوار آتش است که برای مؤسسات مالی و بانکی نرم‌افزارهایی می‌نویسد که کسی نتواند وارد سیستم آنها شده و پولی جابجا کند. اما یک گروه فلاکتر برای پیدا کردن نقص ورود به سیستم حفاظتی یک بانک که حکم نوشته است، بزرگترین متخصص دیوارهای آتش را به کار می‌گیرد: خود یک استنسیل. آنها خانواده‌ها و او را به پروگرام می‌گیرند و به یک مهلت می‌دهند تا برای نجات خانواده‌اش به سیستم نرم‌افزاری بانک نفوذ کند. طبعاً ما هم با هم کار نمی‌کنیم و در همین حال تلاشی می‌کند تا به سیستم کامپیوتری دردها و نواها شود!

استنسیل یکی از آن قهرمان‌های اکشن است که کارش زیاد از آنجاست که روز بروز از زد و خورد استفاده نمی‌کند و از سی سال قبل تا به حال هم بهترین بازیگر چنین نقش‌هایی کسی نوده‌جز هریس فورد. با اینکه او در سال ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ و دو فیلم تعیین شده و مهم دیوار نوشته‌های آمریکایی و مکالمه نقش‌هایی تقریباً اصلی را در عهده داشت، اما در سال ۱۹۷۷ و با «جنگ‌های ستاری» توانست جایزه‌اش در سینما را پیدا کند و دیگر بازی به ادامه حرفه‌اش نداشته باشد. او در سه فیلم اول این مجموعه (اپیزودهای ۶ تا ۸) نقش جان سولو، قهرمان قدیمی فضایی ترس و سر سخت، را بازی می‌کند که در تریج تبدیل به یکی از فرماندهان انقلاب علیه اپارتوئی می‌شد. فورد بعد از «جنگ‌های ستاری» دیگر از اجاره‌آزاد ستاره پختن افول کند. علی‌رغم چند شکست متعدد در کارنامه‌ها، هوشیارش ستاره پختن افول کند.



هریس فورد ۶۴ ساله شده و حالا دیگر ریش پرپوسوری سفید دارد. ولی هنوز هم می‌تواند همان ستاره محبوب اکشن باشد

در انتخاب نقش‌ها باعث شد که همیشه پرزویی‌هایش اکثریت قابل توجهی داشته باشد. «بلید رانه»، «شاه»، «ساحل ماسکینو»، «دوبانه‌وار»، «دختر کارگر» و سایر فیلم‌هایش که به اعتبار او اضافه می‌کردند؛ اما آنچه او را سالها در مقام یکی از بزرگترین ستاره‌های سینما نگاه داشت دو مجموعه «ایندیانا جونز» و «جک رابان» بود.

ایندیانا جونز، که یکی از موفق‌ترین مجموعه‌های تاریخ سینما است. تا به حال - از سه فیلم تشکیل شده که طی دهه ۱۹۸۰ ساخته شد. ماجراجوی جذاب این

تجسمی

نگاهی به کتاب «آنتلیه کبود»، نوشته پرویز تناولی

شرحی است از خاطرات پرویز تناولی از دوران کار و فعالیتش در آنتلیه کبود. که در سال ۱۳۲۹ از خیابان ولی‌عصر تهران عبور می‌کردند، اغلب متوجه مجسمه غول‌پیکری که در بالکن یکی از آپارتمان‌های مشرف به این خیابان کار گذاشته شده بود، می‌شدند. این مجسمه که از آهن آلات اسقاط ساخته شده بود، مردی را نشان می‌داد که آهویی را به آغوش کشیده می‌شد و هر فاشی او را شایعه یک دوچرخه و بدن هر دو موجود از گلگیر دیگر قطعات ماشین‌های اسقاطی شکل گرفته بود. کسی یابن تر از این مجسمه، بالای در زوری همین ساختمان تابلو کوچکی به چشم می‌خورد که روی آن به دو زبان درشت و لاتین عنوان «آنتلیه کبود» نوشته شده بود. (صحه ۵)

متن این کتاب با روایت داستان بازگشت پرویز تناولی از ایتالیا به ایران و جست‌وجو به دنبال فضای بلی کار آغاز می‌شود که در نهایت به با اختیار گرفتن آنتلیه کبود منتهی شد. تابلوی برای روایت رویدادهایی که منجر به حضور او در آنتلیه کبود شد، که کمی عقب تر بزمی می‌گردد و در صفحه‌های نخست کتاب به تجزیه‌ات خود از دوران تحصیل در ایتالیا، وضعیت اجتماعی‌های آن زمان این کشور، فارغ التحصیلی شدن و اجاره کردن اتاقی در زیرزمین یکی از آپارتمانهای لندن و چگونگی حضورش در بی‌تال و تالیز، هم می‌پردازد. تابلوی ابتدایی کتاب و در توضیح اولین نگارشات این خاطرات، می‌نویسد: «این آنتلیه‌ها اگر عصری طولانی نداشت، اما حواشی در آن اتفاق افتاد که استحقاق بازنگشتن را دارد، بویژه که در هیچ‌یک از نوشته‌های مربوط به هنر معاصر ایران از این آنتلیه نامی برده نشده و همه‌جا از قلم افقاند.»

حال پس از گذشت نزدیک به چهل سال، شاید کسانی به دانستن برخی از وقایع سرنوشت‌ساز که در این آنتلیه اتفاق

باستان‌شناسی ماجراجویه واسطه‌سه نام به این موفقیت پیدا کرد، جرج لوکاس (نویسنده و تهیه‌کننده)، استیون اسپیلبرگ (کارگردان) و هریس فورد (بازیگر نقش ایندیانا جونز). فورد در این مجموعه اکشن‌ترین نقشش را ایفا کرد و حتی توانیش را از نوعی نندام و زنده‌انداز هم به نمایش گذاشت. ولی باز هم نمی‌شد آکشن او می‌کردند. شخصیت‌هایی که او ایفا می‌کرد علی‌رغم درگیر شدن در وقایع اکشن، همیشه از او متفکر می‌بودند که از مترشاش بیشتر از بدشانس کمک می‌گرفتند؛ مأمور پلیس، استاد دانشگاه، تحلیلگر سی‌تی‌وی، رئیس جمهوری و پزشک.

در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ و با ادامه پیدا کردن مجموعه «ایندیانا جونز» نوبت به سه فیلم بسیار موفق دیگر رسید که یک بار دیگر جایگاه فورد را به عنوان موفق‌ترین هنرمند متفکر اکشن حفظ کند. او در دو فیلم از مجموعه جنگ ایلان نقش او را ایفا کرد و در فاصله‌ها هم فیلم بسیار موفق «فراری» را به کارنامه‌اش اضافه نمود. جنگ ایلان یک شخصیت داستانی مخلوق نام کلنسی است که در زمان‌های متعددی از او حضور دارد. این داستان‌ها از زمانی که او تازه از دانشگاه فارغ التحصیل شده و به عنوان تهیه‌کننده سی‌تی‌وی استخدام می‌شود تا زمانی که در این سازمان به مقام‌های عالی می‌رسد و حتی زمانی که رئیس جمهور ایالات متحده شده را پوشش می‌دهد. هریس فورد در «بازی‌های مین پرنس» و «خطر واضح و حاضر» نقش جنگ ایلان ایفا کرد که باز هم با الگوهای پیشگامی‌های او (قهرمان متفکر اکشن) مطابقت داشت؛ اما در فیلم مدعی حاضر نشد این نقش را ایفا کند و جای خود را به بن افلک داد.

«فراری» یکی از بزرگترین موفقیت‌های هریس فورد است. این فیلم که باسزاری یک سرکاز بسیار محبوب دهه ۱۹۷۰ است، هم‌برای فورد موفقیت فراوان (از جمله نامزد شدن برای جایزه گلدن گلوب) به همراه داشت و خود فیلم به موفقیت تجاری و هنری زیادی رسید. «فراری» علاوه بر فروش بسیار بالا و نامزد شدن در هفت رشته برای جایزه اسکار، تنها فیلم اکشن است که تا به حال نامزد جایزه اسکار بهترین فیلم شده است. هر چند هریس فورد در این فاصله در فیلم‌های غیر اکشن هم بازی کرده، اما عهده موفقیت‌هایش به خاطر همان نقش همگوشی‌اش است. او چنین شخصیتی را در «خود شیطان» و «هواپیمای رئیس جمهور» ایفا کرد و نشان داد که بالا رفتن سن چیزی از توانایی‌هایش کم‌نکرده است. فورد در دو فیلم اخیرش، «کی ۱۹: سوزناز» و «بیشتر قتل‌های پلوه» نقش فرمانده یک پلیس را بازی کرد. او یک مأمور پلیس را ایفا کرد و در سال ۲۰۰۳ یک دیگر در هیچ فیلم سینمایی ظاهر نشد. غیبت سه ساله هریس فورد از سینماها هفته گذشته با نمایش «ایندیانا جونز» به پایان رسید و او باز هم در نقش قهرمان اکشنی جریکون، در سریال جارجی و سال آینده سه فیلم دیگر را در برنامه دارد که یکی از آنها «ایندیانا جونز ۴» است که دوباره همان مثلث موفق فورد را در کنار هم قرار می‌دهد. انتظار که به نظر می‌رسد بزرگترین قهرمان متفکر اکشن هنوز قصد آرام و قرار ندارد.

خاطرات روزهای کبود

افقاند، علاقه‌مند شد. مثلاً آگاهی شوند که مکتب سفارانه در این آنتلیه توفت بود. ویا برخی از نمایشگاه‌های پیدایی در این آنتلیه برگزار شد و همین‌جا محل رفت‌وآمد و گردهمایی برخی از هنرمندان و تشکل گروه هنرمندان معاصر بود.

شکل نگاره هنرمندان معاصر بود. ۷۰ صفحه دارد تابلوی در این کتاب هم‌چون کج‌کج که حدود ۲۰۰ صفحه دارد خاطراتی از حضور حسین زنده‌رودی در آنتلیه کبود، شیوه کارکردن او، و فاشی‌های کبود که در این آنتلیه برایش و اطلاعاتی دیگر را نوشته است.

او درباره حسین زنده‌رودی می‌نویسد: «از او خواستم تابلویی به بزرگی سالن اصلی آنتلیه بکنند، به حدی که همه دیوارها از نوشته پوشیده شود. وی پس از امتدادز داده دیوارها، مبلعی از من گرفت و رفت. مدتی شاید حدود دو ماه از او خبری نداشتیم، تا سرانجام یک روز سر و کلاه‌اش پیدا شد. تا آن روز او را با چنین هیأت ترسناکی دیده بودم. سرتاپا زل‌زوده و به هم ریخته بود و چشمانش به سختی باز می‌شد، از من خواست برای دیدن کاری که سفارشان داده بودم، به خانه‌اش آیم... بروم... لوله کاغذی را از قبل تهیه کرده بودم، به پشت بازو بردم و من چیزی به چشم دیدم که کاروش برآمده بود. وی فشارش را که زیاد هم به او نماند، به من نمود، به عین انجام داده بود و طوماری از آن قطعه به طول سیزده متر و عرض بی‌ش از دو متر را با خطوط ریز بر کرده بود.» (صحه ۲۰)

حوادث مربوط به آنتلیه کبود در این کتاب تا زمان تشکیل گروه هنرمندان معاصر، برپایی نمایشگاه‌آمان در سالن بزرگ بانک تجارت و نوشتن نامه‌ای به وزیر فرهنگ و تابلوی برای پیوست وضع هنر معاصر روایت می‌شود.

پس از آن رویدادها، پرویز تناولی به مینی‌پولیس می‌رود و در آنجا کار تدریس را آغاز می‌کند. از این بخش به بعد کتاب به تجزیه‌ات این هنرمند در آن سالها مربوط می‌شود و تابلوی

افقاند، علاقه‌مند شد. مثلاً آگاهی شوند که مکتب سفارانه در این آنتلیه توفت بود. ویا برخی از نمایشگاه‌های پیدایی در این آنتلیه برگزار شد و همین‌جا محل رفت‌وآمد و گردهمایی برخی از هنرمندان و تشکل گروه هنرمندان معاصر بود.

شکل نگاره هنرمندان معاصر بود. ۷۰ صفحه دارد تابلوی در این کتاب هم‌چون کج‌کج که حدود ۲۰۰ صفحه دارد خاطراتی از حضور حسین زنده‌رودی در آنتلیه کبود، شیوه کارکردن او، و فاشی‌های کبود که در این آنتلیه برایش و اطلاعاتی دیگر را نوشته است.

او درباره حسین زنده‌رودی می‌نویسد: «از او خواستم تابلویی به بزرگی سالن اصلی آنتلیه بکنند، به حدی که همه دیوارها از نوشته پوشیده شود. وی پس از امتدادز داده دیوارها، مبلعی از من گرفت و رفت. مدتی شاید حدود دو ماه از او خبری نداشتیم، تا سرانجام یک روز سر و کلاه‌اش پیدا شد. تا آن روز او را با چنین هیأت ترسناکی دیده بودم. سرتاپا زل‌زوده و به هم ریخته بود و چشمانش به سختی باز می‌شد، از من خواست برای دیدن کاری که سفارشان داده بودم، به خانه‌اش آیم... بروم... لوله کاغذی را از قبل تهیه کرده بودم، به پشت بازو بردم و من چیزی به چشم دیدم که کاروش برآمده بود. وی فشارش را که زیاد هم به او نماند، به من نمود، به عین انجام داده بود و طوماری از آن قطعه به طول سیزده متر و عرض بی‌ش از دو متر را با خطوط ریز بر کرده بود.» (صحه ۲۰)

حوادث مربوط به آنتلیه کبود در این کتاب تا زمان تشکیل گروه هنرمندان معاصر، برپایی نمایشگاه‌آمان در سالن بزرگ بانک تجارت و نوشتن نامه‌ای به وزیر فرهنگ و تابلوی برای پیوست وضع هنر معاصر روایت می‌شود.

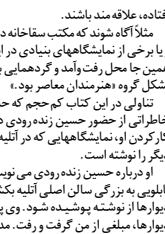
پس از آن رویدادها، پرویز تناولی به مینی‌پولیس می‌رود و در آنجا کار تدریس را آغاز می‌کند. از این بخش به بعد کتاب به تجزیه‌ات این هنرمند در آن سالها مربوط می‌شود و تابلوی

سرا نجام پرونده جیغ

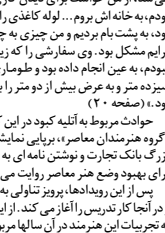
بالاخره پس از گذشت حدود یک سال و نیم از بویده شدن تابلوی معروف «جیغ» اثر اودارد موشن از موزه‌ای از سلواز، در نایه‌ها گذشت، ده‌گانه مرتبط با این سرفقت آغاز شد. این در حالی است که هنوز سارقان اصلی تابلو که بیست و دوم اوت ۲۰۰۴ در حالی که نقاب به صورت داشتند و به موزه حمله کرده بودند هنوز دستگیر نشده‌اند و پیگیری‌های پلیس در این باره هنوز به نتیجه‌ای نرسیده و منجر به کشف تابلوها نشده است.

در این دادگاه، پنج تن از مظنونان به سرفقت آثار هنری و یک نفر که به دست داشتن در خرید و فروش این آثار متهم شده، مقابل قاضی خواهند ایستاد.

هرچند آخرین اخبار مرتبط با این تابلوها حتی از امکان به آنتلیه کشیده شدن آنها خبر می‌داد اما پلیس اسلو اعلام کرده که هنوز امیدوار است بتواند این آثار را بیابد.



افقاند، علاقه‌مند شد. مثلاً آگاهی شوند که مکتب سفارانه در این آنتلیه توفت بود. ویا برخی از نمایشگاه‌های پیدایی در این آنتلیه برگزار شد و همین‌جا محل رفت‌وآمد و گردهمایی برخی از هنرمندان و تشکل گروه هنرمندان معاصر بود.



افقاند، علاقه‌مند شد. مثلاً آگاهی شوند که مکتب سفارانه در این آنتلیه توفت بود. ویا برخی از نمایشگاه‌های پیدایی در این آنتلیه برگزار شد و همین‌جا محل رفت‌وآمد و گردهمایی برخی از هنرمندان و تشکل گروه هنرمندان معاصر بود.



افقاند، علاقه‌مند شد. مثلاً آگاهی شوند که مکتب سفارانه در این آنتلیه توفت بود. ویا برخی از نمایشگاه‌های پیدایی در این آنتلیه برگزار شد و همین‌جا محل رفت‌وآمد و گردهمایی برخی از هنرمندان و تشکل گروه هنرمندان معاصر بود.

ملک دادار گروسیان، دبیر انجمن مجسمه سازان ایران به تازگی از برپایی رویدادی تحت عنوان نخستین نمایشگاه کوچک ایران در استفاده سال جاری خبر داد.

این اولین بار نیست که در طول ماه‌های گذشته انجمن مجسمه سازان از برپایی چنین نمایشگاهی خبر می‌دهد که نمایشگاه مجسمه‌های چوبی، یخی و سنگی از این نمونه‌ها بودند. اما پس از آن، دیگر هیچ خبری از برگزاری استانی با حداکثر اندازه ۳۰ سانتیمتر در نمایشگاه‌های یاد شده به گوش نرسید. گویا در این نمایشگاه اندازه‌های مجسمه، هم به اختیار یادآور دعوای مدیر دولتی هنرمندان به نمایش گذاشته شوند. در نظر گرفتن شرایط اندازه‌های مجسمه، هم به اختیار یادآور دعوای مدیر دولتی هنرمندان به نمایش گذاشته است که خود آثار در فضای باز خانه هنرمندان ارائه کرده و مدیر دولتی نیز عنوان کرد بود از این پس برپایی نمایشگاه‌ها، شرط اجبار مدیر مجسمه‌ها در نظر گرفته خواهد شد.

آنتلیه‌های هنری در سالهای دور به غیر از فعالیت به عنوان مراکزی برای کار هنرمندان و نمایش آثار آنها، کارهای دیگری نیز داشتند. جزیره‌هایی که در آن سالها از سوی هنرمندان پیشرو ایران شکل گرفت، از آن همین آنتلیه‌ها برحسب بود. چنین کارکردی امروزه در آنتلیه‌های هنرمندان کامیاب یوسف آباد یکی از این مراکز بود که در حدود سال ۱۳۲۸ به محل تجمیع هنرمندان همچون نینما پوش، بهمن محصی، سهراب سپهری، غلامحسین عرب و عده‌ای دیگر تبدیل شد که به راه‌انداختن نشریه‌ای به نام «خروس جنگی» سعی در وارد کردن هنرهای تجسمی ایران به جنبه‌های بین‌المللی داشتند.

آنتلیه مارکو گروبروین در میدان فرموس نیز یکی دیگر از همین نمونه‌ها محسوب می‌شود که منجر به شکل‌گیری «گروه آزاد نقاشان و مجسمه‌سازان» شد و او این هنرمندان را آن سالها دور گذاشت. اولین آثار ایرانی در حوزه هنر معاصر را خلق کردند.

با وجود اهمیتی که این آنتلیه‌ها در خط‌دهی به اطلاعات تجسمی در سالهای پیش از انقلاب داشتند، اما هرگاه مکتوب و مدون چندانی درباره این مراکز غیر رسمی هنر وجود ندارد.

آنتلیه‌های هنری در سالهای دور به غیر از فعالیت به عنوان مراکزی برای کار هنرمندان و نمایش آثار آنها، کارهای دیگری نیز داشتند. جزیره‌هایی که در آن سالها از سوی هنرمندان پیشرو ایران شکل گرفت، از آن همین آنتلیه‌ها برحسب بود. چنین کارکردی امروزه در آنتلیه‌های هنرمندان کامیاب یوسف آباد یکی از این مراکز بود که در حدود سال ۱۳۲۸ به محل تجمیع هنرمندان همچون نینما پوش، بهمن محصی، سهراب سپهری، غلامحسین عرب و عده‌ای دیگر تبدیل شد که به راه‌انداختن نشریه‌ای به نام «خروس جنگی» سعی در وارد کردن هنرهای تجسمی ایران به جنبه‌های بین‌المللی داشتند.

آنتلیه مارکو گروبروین در میدان فرموس نیز یکی دیگر از همین نمونه‌ها محسوب می‌شود که منجر به شکل‌گیری «گروه آزاد نقاشان و مجسمه‌سازان» شد و او این هنرمندان را آن سالها دور گذاشت. اولین آثار ایرانی در حوزه هنر معاصر را خلق کردند.

با وجود اهمیتی که این آنتلیه‌ها در خط‌دهی به اطلاعات تجسمی در سالهای پیش از انقلاب داشتند، اما هرگاه مکتوب و مدون چندانی درباره این مراکز غیر رسمی هنر وجود ندارد.

به تازگی کتابی درباره یکی از آن آنتلیه‌ها را منتشر کرده است. کتاب «آنتلیه کبود» که همان آنتلیه وار خود دارد،

خبرسازان



زمسئون را فشین مقدم

به تازگی CD تازه‌ای از فروشنده‌های عرضه آثار موسیقی به فروش می‌رسد که تاریخ ضبط و پخش آن به دهه‌های بسیار دور گذشته بازمی‌گردد. «آلبوم زمسئون» یا صدای زنده‌ها افشین مقدم، یادگاری از موسیقی جدی صدای قلی‌های انقلاب است که این روزها با مجوز وزارت ارشد یکبار دیگر به بازار آمده. در ماه‌های اخیر، ترانه معروف «زمسئون» را با صدای این هنرمندان بارها از رادیو پیام پخش شد اما اکنون فرصتی فراهم آمده است تا علاقه‌مندان به صدای افشین مقدم، آلبوم «زمسئون» را با کیفیت صدای مطلوب از افشین مقدم از هنرمندان سال‌های بسیار دور گذاشته است. در آثار خود، سید شیوه‌ای منحصر به فرد را دنبال می‌کرد و هیچگاه فراموشی‌بارزی از زمان نگارش آن در هنرمندان در سال ۱۳۵۵ در سن ۳۰ سالگی در یک حادثه رانندگی جان سپرد و فرصتی برای به یادگار گذاشتن قطعات بیشتر پیدا نکرد.



افقاند، علاقه‌مند شد. مثلاً آگاهی شوند که مکتب سفارانه در این آنتلیه توفت بود. ویا برخی از نمایشگاه‌های پیدایی در این آنتلیه برگزار شد و همین‌جا محل رفت‌وآمد و گردهمایی برخی از هنرمندان و تشکل گروه هنرمندان معاصر بود.

باز هم انجمن ملی عکاسی
باز هم خبرهایی درباره شکل‌گیری
انجمن ملی عکاسی، که قرار است انجمنی
فراگیر برای حرفه‌های عکاسان کشور باشد
ششیده می‌شود. عکاسان کشور که سال
هاست از لزوم شکل‌گیری چنین تشکلی
سخن می‌گویند، هنوز به نتیجه‌ای در این باره
نرسیده‌اند. اما این بار گویا قرار است روز
پنجمین ۱۱ اسفندماه، تمامی عکاسان برای
انتخاب هیأت مؤسس این انجمن در
فرهنگسرای نیابوران گرد می‌یابند.

پیش از تغییر مدیریت‌های جدید در
فرهنگسرای نیابوران، این مرکز هنری، میزبانی
هنرمندان عکاسان را برای رفع اختلاف‌های
میان آنان و شکل‌گیری انجمنی فراگیر را
بذریقه‌تود، اما هنوز مشخص نیست، عکاسان
بیتوانند به اجماعی در این باره دست پیدا کنند
یا خیر.

اسلواک‌ها جلو افتادند
چندی پیش از کستر فیلم‌مونیک اسلواکی
به‌خوندگی «بهرام تاج‌آبادی» یکی از آری‌های
ایرانی مانا و میانی اثر استاد حسین دهلوی را
در شهر پاریس اجرا کرد.

با این اجرا، اسلواک‌ها توانستند پیش از
اجرای این اثر در ایران، بخشی از اپرای این
آهنگساز کسروان، را به گوش مخاطبان
جهانی بیاورند. هم‌زمان از کستر فیلم‌مونیک
اسلواکی در این اجرا (ادبی رهبری) بر عهده
داشت.

به یاد آفتابگردان‌های ونوگ
این روزها در یکی از نگارخانه‌های تهران
۴۰ تابلوی رنگ و روغن به نمایش گذاشته
شده که موضوع اصلی بیشتر آنها، گل‌های
آفتابگردان است. این نمایشگاه به یاد دوستان
ونوگ، برپا شده اما اگر هر چه به تکنیک و
شیوه خلق آثار توجه کنید ولی هیچ ارتباط و
بناهی با تکنیک نیافیند تعجب
نکنید. البته شاید تنها شایه‌ها در این میان به
این نکته بازگردد که ونوگ هم تابلویی به نام
«آفتابگردان» دارد. اما خوب این کجا و آن کجا.

حراج به سبک ایرانی
هر چند سالهاست که حراج آثار هنری،
تابلوها و مجسمه‌های هنرمندان از طریق
اینترنت در کشورهای دیگر جاده افتاده اما در
کشور ما اثری از این رویداد دیده نمی‌شود.
الته انتظاری که مینماید پیش‌تر چون
نگارخانه‌های کشور در فروش و واسطه‌آثار،
موفقیت چندانی به دست نمی‌آورند، چطور
می‌توان چشم انتظار فروش اینترنتی آنها
بود؟!

اتفاق تازه در این میان به عملکرد یکی
از سایت‌های ایرانی در این عرصه‌بزمی‌گردد
که چند تابلوی در دست شیبه در حراج بود یا
لباس در معرفی فروش قرار داده است! اما در
صفحه فروش سایت در مقابل هر اثری، عددی
قیمت دیده می‌شود، بر روی قیمت اثری خطی
کشیده که البته می‌توان قیمت را نیز مشخص
داد. اما در زیر آن قیمت دیگری نیز نوشته شده
است که قیمت واقعی کمتر است. پس از آن، سرفه‌های
ارسل این تابلوی اثری در دست و سپس نوبت
به تعداد پیشنهاداتی که رسد که برای هر یک
تابلو سرفه است.

موزه‌پازگرداندن آثار هنری
به تازگی در جهان موج تازه‌ای از بازگرداندن
آثار هنری به سرفه‌رفته که هنوز اکنون در تملک
موزه‌های کشورهای مختلف است، آغاز شده.
دولت هلند، چندی پیش بالاخره تصمیم گرفت،
۲۰۰ اثر هنری از مجموعه‌های این کشور را به
صاحب اصلی آنها بازگرداند. در میان این آثار
که در دوران جنگ جهانی دوم از سوی نازی‌ها
به سرفه‌رفتند، چندین شاهکار متعلق به قرن
هفدهم به چشم می‌خورد.

این آثار در اصل به کودکان استیکر داشت
که در زمان حمله آلمان‌ها به هلند، همراه با
همسر و فرزندش سعی داشت این آثار را به
انگلستان منتقل کند که در گذشت
و همسر و پسرش به آمریکا سفر کردند. در
اواسط سال ۱۹۴۰، نماینده هنری گود
استیکر در استرداد برخلاف نظر همسر وی
پیش از هزار اثر از این مجموعه را به کودکان،
پایه‌گذار پلیس مخفی گشتاوپولس و یک تاجر
فرونت. بعد از جنگ، بخشی از این مجموعه
که به دست کودکان رسیده بود به دولت هلند
بازگردانده شد. این آثار در صورت توافق نهایی
دولت هلند به موزه‌های ماساچوست، هنر
آمریکایی گود استیکر و گادگار خواهد شد.
از سوی دیگر موزه متروپلیتن افهر نیویورک
نیز با بازگرداندن سه اثر هنری به دولت ایتالیا
خواستار بازگرداندن هنر خری آثار متعلق به
کشور است که به آمریکا قاچاق شده بودند
که اکنون در مجموعه موزه متروپلیتن جای
دارند. دولت ایتالیا در صورت رسیدن به هدف
تجدید داد و ستد آثار هنری را از ارض را
به شکل طولانی مدت به این موزه قرض خواهد

افقاند، علاقه‌مند شد. مثلاً آگاهی شوند که مکتب سفارانه در این آنتلیه توفت بود. ویا برخی از نمایشگاه‌های پیدایی در این آنتلیه برگزار شد و همین‌جا محل رفت‌وآمد و گردهمایی برخی از هنرمندان و تشکل گروه هنرمندان معاصر بود.